

## **A Comparative Study of Al-Farabi's Theory of Ethics and Linda Zagzebski's Theory of Virtue Ethics**

maryam hamidi<sup>1</sup>

### **Abstract:**

Morality and virtue have always been fundamental issues in philosophy, and thinkers have tried to provide frameworks for analyzing these concepts. Al-Farabi, an Islamic philosopher, divided virtues into two categories: rational and moral, and emphasized the primacy of rationality in the formation of moral virtue. He believes that reason is a guiding force that leads an individual to moral behavior. In contrast, Linda Zagzebski, a contemporary American philosopher, emphasizes the importance of emotions and moral character in achieving virtue and considers the interaction between rational and moral virtues essential. This study, using a descriptive and analytical method with a comparative approach through a library, has examined the commonalities and differences between these two theories. Both philosophers emphasize the role of virtue in moral excellence and the human factor in realizing morality, but Al-Farabi's view is rational and systematic, while Zagzebski has a dynamic approach and emphasizes the role of lived experience and moral models in achieving virtue. The results of this research show that combining elements of these two perspectives can lead to a more comprehensive understanding of virtue ethics and provide a new path for analyzing moral philosophy in the contemporary era.

### **Keywords:**

Ethics, Farabi, Virtue, Zagzebski

---

1. talabeh sath do- madreseh elmiyeh fatemiyeh garmsar.mrymhmydy334@gmail.com

## بررسی مقایسه‌ای نظریه اخلاق فارابی و نظریه اخلاق فضیلت لیندا زاگزبسکی

مریم حمیدی<sup>۱</sup>

چکیده:

اخلاق و فضیلت همواره از مباحث اساسی فلسفه بوده‌اند و متفکران تلاش کرده‌اند تا چارچوب‌هایی برای تحلیل این مفاهیم ارائه دهند. فارابی، فیلسوف اسلامی، فضایل را به دو دسته عقلانی و اخلاقی تقسیم کرده و بر تقدم عقلانیت در شکل‌گیری فضیلت اخلاقی تأکید دارد. او معتقد است که عقل، نیروی هدایت‌کننده‌ای است که فرد را به سمت رفتار اخلاقی سوق می‌دهد. در مقابل، لیندا زاگزبسکی، فیلسوف معاصر آمریکایی، بر اهمیت عواطف و شخصیت اخلاقی در دستیابی به فضیلت تأکید دارد و تعامل میان فضایل عقلانی و اخلاقی را ضروری می‌داند. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی با رویکرد مقایسه‌ای از طریق کتابخانه‌ای به بررسی نقاط اشتراک و تفاوت‌های این دو نظریه پرداخته است. هر دو فیلسوف بر نقش فضیلت در تعالی اخلاقی و عامل انسانی در تحقق اخلاق تأکید دارند، اما دیدگاه فارابی عقل‌محوری و نظام‌مند است، در حالی که زاگزبسکی رویکردی پویا دارد و بر نقش تجربه زیسته و الگوهای اخلاقی در دستیابی به فضیلت تأکید می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تلفیق عناصر این دو دیدگاه می‌تواند به درکی جامع‌تر از اخلاق فضیلت منجر شود و مسیر تازه‌ای را برای تحلیل فلسفه اخلاق در دوران معاصر فراهم کند.

کلیدواژه:

اخلاق، فارابی، فضیلت، زاگزبسکی

از دیرباز، جستجوی پاسخ به پرسش‌های بنیادین اخلاق، دغدغه اصلی فیلسوفان و اندیشمندان بوده است. آیا اخلاق بر پایه قوانین ثابت و تغییرناپذیر شکل می‌گیرد، یا حاصل شخصیت و فضایل درونی انسان است؟ چگونه می‌توان مسیر درست را در پیچیدگی‌های رفتار انسانی تشخیص داد؟ این پرسش‌ها نه تنها در فلسفه، بلکه در علوم اجتماعی، روان‌شناسی، دین و سیاست نیز نقش مهمی ایفا کرده‌اند. اخلاق و فضیلت، به‌عنوان دو رکن اساسی در فلسفه، چارچوب‌هایی برای هدایت رفتار انسانی ارائه می‌دهند.

از دوران باستان تاکنون مطالعه و تحلیل اخلاق به‌عنوان ابزاری برای فهم رفتار انسانی و هدایت جوامع بسوی ارزش‌های مطلوب شناخته شده است. فضیلت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اخلاق، معیارهایی را برای سنجش اعمال انسانی ارائه می‌دهد و نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت و هویت اخلاقی افراد دارد. در این میان دو رویکرد عمده فلسفه اخلاق که راه‌های متفاوتی برای تعیین درستی و نادرستی اعمال ارائه می‌دهند به نام اخلاق قاعده محور و اخلاق فضیلت محور وجود دارد. اخلاق قاعده محور، بر اصول و قوانین ثابت در اخلاق تأکید دارد و ارزش یک عمل به نتیجه و آثار آن بستگی ندارد. تصور کنید فرد در شرایطی قرار بگیرد که باید حقیقت را بگوید حتی اگر این حقیقت به ضرر فردی دیگر باشد. در این نظریه صداقت یک وظیفه مطلق است و نباید صرف‌نظر از پیامد آن نقض شود.

اخلاق فضیلت محور، بر خلاف نظریه قاعده محور طرفدار عمل کردن بر طبق فضیلت است. در این دیدگاه مهم‌ترین مسئله، دارا بودن ویژگی‌های اخلاقی مطلوب و اعمال او ناشی از یک شخصیت بافضیلت باشد. تصور کنید فرد در شرایطی باشد که باید تصمیم بگیرد که صداقت داشته باشد یا برای دفع آسیب حقیقت را پنهان کند. در این نظریه تصمیم‌گیری بستگی به فضیلت‌های مانند حکمت عملی دارد. حال ممکن است در یک موقعیتی خاص صداقت کام، مطلوب نباشد. در میان فیلسوفان اخلاق، فارابی و زاگزبسکی از نظریه پردازان برجسته در حوزه فلسفه اخلاق، که دیدگاه‌های متفاوتی درباره فضیلت و نقش آن در زندگی انسانی ارائه کردند.

اندیشه اخلاقی فارابی همسو و متأثر از انسان‌شناختی فلسفی او است. که تا حدود زیادی اخلاق را مبتنی بر عقلانیت می‌داند و فضایل را به‌طور کلی به دودسته عقلانی و اخلاقی تقسیم می‌کند. در نظر او، تنها راه دستیابی به زندگی مطلوب، عقل است که به‌عنوان نیروی هدایت‌کننده اخلاقی نقش ایفا می‌کند. در مقابل زاگزبسکی از پیش‌گامان نظریه معرفت‌شناسی که تلاش کرده است نظریه‌ای درباره فضیلت مطرح کند که آن‌قدر جامع و گسترده باشد تا معرفت‌شناسی فضیلت و اخلاق فضیلت را در یک چهارچوب واحد تلفیق کند. او تأکید ویژه‌ای بر پیوسته میان فضایل عقلانی، اخلاقی دارد.

فارابی در آثار مهم خود از جمله: آراء اهل المدینه الفاضله، تنبیه علی سبیل السعاده، فصول متنزعه و السیاسة المدینه به بررسی نظام اخلاقی مبتنی بر عقلانیت و تفکر فلسفی پرداخته است. او فضایل را به دو دسته عقلانی و اخلاقی تقسیم می‌کند و بر این باور است مسیر اصلی دستیابی به فضیلت تعلیم و تربیت عقلانی است. همچنین

مقالاتی از جمله "فلسفه مدنی فارابی" از رضا داوری اردکانی و "دولت در اندیشه سیاسی فارابی" از محسن مهاجرنیا نشان می‌دهد که فارابی در ایجاد هماهنگی میان دین و اخلاق و سیاست تلاش کرده است.

در مقابل زاگزبسکی در مهم‌ترین اثر خود "فضایل ذهن" که راه را برای بسیاری از پژوهش‌های هیجان‌انگیز باز کرده است. و نخستین اثر جامع و نظام‌مند درباره معرفت‌شناسی فضیلت است. نظریه‌ای را مطرح می‌کند که معرفت‌شناسی فضیلت و اخلاق فضیلت را در یک چارچوب واحد تلفیق می‌کند. و بر خلاف فارابی که عقلانیت را عامل اصلی هدایت فضیلت می‌داند. او بر این باور است که، انسان‌ها فضیلت را از طریق مشاهده الگوهای اخلاقی فرامی‌گیرد. در این دیدگاه نه تنها فضایل اخلاقی با عقل بلکه با تجربه زیسته و پرورش شخصیت فردی نیز تقویت می‌شود.

ومقالاتی از جمله "نظریه اخلاق زاگزبسکی: نظریه فضیلت‌مدار الگوگرا" از شیما شهریاری و محمدحسین نواب و "رابطه بین فضایل اخلاقی و عقلانی از منظر فارابی و زاگزبسکی" از صادق میر احمدی نیز دیدگاه‌های زاگزبسکی را درباره نقش الگوها در تربیت اخلاقی بررسی کرده‌اند.

مطالعات پیشین به وضوح تفاوت دیدگاه این دو فیلسوف بر اخلاق می‌رسانند. چرا که فارابی اخلاق را بر پایه عقل و خرد می‌داند. در صورتی که زاگزبسکی بر نقش تجربه و تاثیر الگوهای اخلاقی تاکید دارد. وجود این تفاوت‌ها، بررسی دقیق‌تر نقش فضیلت در فلسفه اخلاق را ضروری می‌سازد. مطالعه تطبیقی نظریه‌ها نشان می‌دهد که هر دو دیدگاه با وجود تفاوت‌های ساختاری، در تلاش هستند تا جایگاه فضیلت را در اخلاق انسانی تبیین کنند. اما آیا این دو نظریه با وجود تفاوت‌های ساختاری می‌توانند مکمل یکدیگر باشند؟ آیا تقدم عقلانیت در اخلاق همان‌طور که فارابی پیشنهاد می‌کند ضروری است؟ یا اینکه شناخت فضیلت همان‌طور که زاگزبسکی مطرح می‌کند مستلزم تجربه و الگوبرداری از نمونه اخلاقی است؟ این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد مقایسه - تحلیلی تحت عناوین 1. مفهوم‌شناسی 2. مبانی اخلاقی فارابی 3. مبانی اخلاقی زاگزبسکی 4. مقایسه دو نظریه، در پی پاسخ به این پرسش‌هاست و نشان می‌دهد که چگونه تلفیق این دو دیدگاه می‌تواند بفهمی جامع‌تر از اخلاق فضیلت منجر شود.

#### 1. مفهوم‌شناسی

در مطالعات فلسفه اخلاق، واکاوی دقیق مفاهیم پایه، گام نخست هر پژوهش ژرف‌نگرانه است. این مقاله با روش تحلیلی-انتقادی، به بررسی بنیادهای نظریه اخلاق و فضیلت در اندیشه فارابی<sup>1</sup> و زاگزبسکی<sup>2</sup> می‌پردازد. برای نیل به این هدف، ضروری است ابتدا به تحلیل لغوی و اصطلاحی «اخلاق»<sup>3</sup> و «فضیلت»<sup>4</sup> و در ادامه به دیدگاه این دو فیلسوف برجسته پرداخته شود.

<sup>1</sup>-Al-Farabi

<sup>2</sup>- Zagzebski

<sup>3</sup>- ethics

<sup>4</sup>- virtue

## ۱.۱ اخلاق:

در ادبیات فلسفی، اخلاق به عنوان دانش ارزیابی ارزش‌های انسانی و اصول حاکم بر رفتار در دو سنت فکری اسلامی و غربی مورد توجه بوده است. در سنت اسلامی از نظر لغوی، اخلاق مشتق از خلق (زیبیدی، 1989م، ج 25، ص 257) و صورت نفس باطنی دانسته می‌شود. (مجلسی، 1403ه.ق، ج 61، ص 288) و در اصطلاح نظام جامع برای تنظیم رفتار فردی و اجتماعی بر اساس ارزش‌های الهی است. (مطهری، 1432ه، ج ۱، ص ۱۳-۱۸) در سنت غربی اخلاق، شاخه‌ای از فلسفه عملی است که به مطالعه نظاممند باید و نبایدهای انسانی می‌پردازد. (Ross, 1930, p. 46-20)

با توجه به این تعاریف پایه‌ای از مفهوم اخلاق در دو سنت فکری اسلامی و غربی، لازم به ذکر است که در این پژوهش به بررسی نظاممند دیدگاه دو فیلسوف برجسته فارابی و وزاگزبسکی در حوزه اخلاق پرداخته می‌شود.

### تعریف اخلاق از منظر فارابی:

فارابی اخلاق را به عنوان هیئتی نفسانی تعریف می‌کند. که موجب ستایش یا نکوهش افعال انسان می‌شود. او بر این باور است که این هیئت نفسانی اگر رفتارهای اخلاقی انسان را نیک و موافق با واقع سازد، خلق جمیل نام دارد. که این فضایل اخلاقی از طریق تمرین و ممارست به دست می‌آید. و در پیوند با عقلانیت و معرفت معنا پیدا می‌کند. که در صورت عکس آن خلق قبیح نام نهادند. که حصول این رفتارها اکتسابی است. که خلق احسن و ایجاد خوی فاضل و تربیت صحیح را عامل اصلی کمال انسان و وصول به سعادت می‌داند. (فارابی، 1371، ص 81-190؛ 1364، ص 10-35؛ 1384، ص ۸۳)

### تعریف اخلاق از منظر زاگزبسکی:

در نظریه اخلاق زاگزبسکی فیلسوف معاصر، فضیلت است که دیگر مفاهیم اخلاقی از جمله ثمره خوب و زندگی برگرفته از این مفهوم می‌شوند. فضیلت گرایی به دو دسته فضیلت گرایی غیر شناختی و فضیلت گرایی غایت شناختی تقسیم کرد. که مراد از فضیلت گرایی غایت شناختی، در نظر گرفتن مفهوم زندگی سعادت‌مندانه به عنوان پایه‌ای ترین مفهوم اخلاقی است. که بر اساس این دیدگاه زندگی خوب، لئفسه برای خودش مطلوب است. و در مقابل نظریه فضیلت گرایی غیر شناختی وسایلی مانند: انگیزه‌ها را عنوان پایه‌ترین مفهوم اخلاقی می‌دانند و مفاهیمی چون خوبی زندگی خوب را به عنوان فاهیم اشتقاقی در نظر می‌گیرند. (شهریاری؛ نواب، 1394، ص 44)

بر این اساس نظریه اخلاقی زاگزبسکی جزء دسته فضیلت مدار غیر شناختی می‌توان دانست. (Zagzabski, 2013, p. 10) با توجه به مطالب گفته شده، در اخلاق فضیلت ویژگی‌های رفتاری و انگیزه‌ها از اهمیت ویژه‌ای

#### ۴.۴ امکان تلفیق دو دیدگاه

تلفیق دو دیدگاه فارابی و زاگزبسکی در مورد فضیلت اخلاقی، می‌تواند به ارتقا یک نظریه اخلاقی جامع‌تر کمک کند. که علاوه بر حفظ معنا مبنای عقلانی اخلاق، نقش عواطف و الگوهای اخلاقی را در شکل‌گیری فضایل مورد توجه قرار دهد. که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

الف: تلفیق دیدگاه عقلانی و سعادت فارابی با دیدگاه نقش عواطف و الگوهای اخلاقی زاگزبسکی، می‌تواند به طرح نظریه‌ای منجر شود که علاوه بر تفکر عقلانی نقش احساسات در هدایت رفتار اخلاقی را نیز بپذیرد.

ب: ترکیب دیدگاه فارابی که تعلیم و تربیت را عامل شکل‌گیری فضایل نظری می‌داند با نظر زاگزبسکی بر الگوپذیری افراد از شخص فضیلت‌مند به دلیل شکل‌گیری فضایل اخلاقی، می‌تواند منجر به انسجام نظام اخلاقی شود. که علاوه بر آموزش عقلانی پیروی از الگوهای اخلاقی را نیز در بر بگیرد.

ج: ترکیب نظام اخلاقی فارابی با معرفت‌شناسی فضیلت بنیاد زاگزبسکی، می‌تواند کمک شایانی به توسعه یک نظریه اخلاقی جامع که علاوه بر مبنای عقلانی اخلاق، نقش عواطف و الگوهای اخلاقی را در شکل‌گیری فضایل توجه قرار دهد.

#### نتیجه‌گیری:

در مسیر مطالعه نظریه‌های اخلاقی، دیدگاه‌های فارابی و زاگزبسکی گویای دو سنت فلسفی مجزا که با وجود تفاوت‌های بنیادین، مکمل یکدیگر هستند. از منظر فارابی، اخلاق بر پایه عقلانیت، نظام فضایل و فلسفه سیاسی استوار است. و بر این باور است برای شکل‌گیری جامعه آرمانی ضروری است. هدایت اخلاق فردی و اجتماعی مبتنی بر خردورزی و نظم در فضایل باشد. در حالی که زاگزبسکی، اخلاق را با عواطف و نقش الگوهای فضیلت بنیاد تلفیق می‌دهد. و تاکید بر نقش الگو برداری بر تنظیم مسیر خویش در تعالی اخلاق دارد. با امکان ترکیب دو نظریه عقلانیت فارابی و الگو برداری زاگزبسکی می‌توان مدلی جامع‌تر از اخلاق فضیلت مدار ارائه داد. که علاوه بر انسجام نظری، به نقش الگوهای اخلاقی در تربیت فردی و اجتماعی مذاقه کند. با این وجود این ترکیب با چالش‌هایی از جمله تاثیرپذیری از زمینه‌های فرهنگی، نقدهای احتمالی و... از سوی دیگر مکاتب مواجه است.

امید است پژوهش‌های آینده، بتوانند با توجه به تلفیق این دو نظریه، بر درک عمیق رابطه فضیلت، عقلانیت و الگو برداری های اخلاقی، راهکارهایی جهت تقابل با پرسش‌های اخلاقی پیچیده عصر حاضر ارائه دهند.

## فهرست منابع:

1. افشار، ایرج (1354). مجموعه خطابه‌های تحقیقی. کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد نوشته مهدی فولادوند انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی
2. بهارنژاد، زکریا (1392). "فضیلت از دیدگاه فارابی". فصلنامه علمی پژوهشی آینده ی معرفت، 12(36)
3. بهی، محمد (1401 ه ق). فارابی الموفق و الشارح (ج 1). قاهره - مصر: مکاتبه وهبه
4. پورتر، جین؛ رحمتی، انشالله (1378). اخلاق فضیلت. شماره 13
5. جلیلی، جلیل (1404). "تاثیر دین بر هویت فردی و اجتماعی از نگاه فارابی و کیر گور". دانشگاه تبریز، 19(50)
6. حسین زاده یزدی، محمد؛ لنگهاوزن، محمد؛ شکری، مهدی (1394). "تبیین و نقد چیستی فضیلت از منظر لیندا زاگزبسکی". فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، 15(1)، پیاپی 54
7. داوری اردکانی، رضا (1354). فلسفه مدنی فارابی. تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی
8. ----- (1382). "فارابی فیلسوف فرهنگ". ساقی، چ 1
9. دبیری، احمد (1389). "فضیلت‌گرایی در اخلاق" (ج 5). 2(1)، قم
10. ربانی، رسول؛ نوروژی، رضا علی؛ قادری، مهدی (1388). "تحلیلی بر اندیشه فارابی و دورکیم" مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین، تعلیم و تربیت اسلامی (9)، 17(78)
11. زاگزبسکی، لیندا (1396). فضایل ذهن: تحقیقی در ماهیت فضیلت و مبانی اخلاقی معرفت. مترجم امیرحسین خداپرست. چ 1، تهران: کرگدن
12. زاگزبسکی، لیندا؛ لوئیس، پویمن (1392). نظریه فضیلت. ترجمه داوود قرجالو. 196 ماه دین
13. زاید، سعید (2001 م). فارابی. (ج 1). قاهره - مصر: دارالمعارف
14. زبیدی، محمد مرتضی (1409 ه؛ 1989 م). تاج العروس من جواهر ارقامس (ج 25). تحقیق مصطفی حجازی. دارالمکتب الحیات، بیروت
15. ساجدی، علی محمد؛ رستمی، یدالله (1391). "رابطه خدا با جهان در اندیشه ارسطو وابن سینا". فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینده معرفت
16. سالاری، خداداد (1393). "انسان کامل از دیدگاه فارابی آموزش معارف اسلامی". 26(3)
17. شهریاری، سیما؛ جوادی، محسن (1393). "نظریه انگیزش الهی زاگزبسکی درباره نسبت دین و اخلاق". دوفصلنامه علمی و پژوهشی فلسفه دین، 12(1)، پیاپی 24

18. ....؛ نواب، محمد حسین (1394). "نظریه اخلاق زاگزیبسی: نظریه فضیلت مدار الگوگرا". نشریه فلسفه، 43 (1)
19. صبری، علی؛ علوی، محمد کاظم (1395). "رابطه سعادت و فضیلت از دیدگاه ارسطو و فارابی". الهیات تطبیقی، 7 (16)
20. العاتی، ابراهیم. (1430 هـ و 2009 م). الانسان فی فلسفه الفارابی، بیروت: دارالهادی.
21. عبداللهی، محمد سعید (1402). "ارزیابی و مقایسه دیدگاه ارسطو و لیندا زاگزیبسی در باب ماهیت واقسام فضیلت". 2 (1)، پیاپی 5
22. علمی سولا، محمد کاظم؛ فرخزادگان صفی آبادی، میهن (1390). "بررسی تطبیقی فضیلت از دیدگاه کانت و فارابی". الهیات تطبیقی، 2 (5)
23. فارابی، محمد بن محمد (1384 هـ ش). سعادت از نگاه فارابی. مترجم علی اکبر جابری مقدم. ناشر: دارالحدی
24. .... (1986 م). آراء اهل مدینه الفاضله. لبنان: دارالمشرق بیروت
25. .... (1996 م). سیاست المدینه. شارح علی بوملحم. لبنان: دارالمکتبه الهلال بیروت
26. .... (1364 هـ ش؛ 1405 هـ ق). فصول متنزعه. محقق نجار فوزی متری. تهران: مکتب الزهرا
27. .... (1371 هـ ش؛ 1412 هـ ق). تنبیه علی السبیل السعاده. محقق محمد حسین آل یاسین. تهران: حکمت
28. فخری، ماجد (1372). سیر فلسفه در جهان اسلام. ترجمه نصر الله پور جوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی
29. قادری، مهدی؛ غریبی، حسن (1387). "تعلیم و تربیت در اندیشه فارابی و دورکیم". معرفت، 17 (7)
30. کاظمی جروکانی، حسین (1391). "حکمت و فضیلت از دیدگاه فارابی". راسخون
31. کمارج حاجی، مهسا؛ محمد فرخزاد، ملک (1399). "اشتراکات مصادیق فضیلت در اندیشه مولانا و زاگزیبسی". فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، 12 (44)
32. گیتته، ادموند (1374). آیا معرفت باور صادق موجه است؟. ترجمه شاپور اعتماد. ارغنون (7-8)
33. مجلسی، محمد باقر (1403 هـ ق). بحار الانوار (ج 61). ناشر ط مؤسسه الوفاء
34. مطهری، مرتضی (1432 هـ؛ 2011 م). سلوک و اخلاق (ج 1). ناشر دارالرشاد
35. مهاجرنیا، محسن (1380). دولت در اندیشه سیاسی فارابی. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
36. .... (1386). اندیشه سیاسی فارابی، ج 2. قم: مؤسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی
37. میر احمدی، صادق (1395). "رابطه بین فضایل اخلاقی و عقلانی از منظر فارابی و زاگزیبسی". 9 (31)

38. ....(1399). "بررسی و نقد ساختار فضیلت فکری در معرفت شناسی فضیلت محور". فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی، شماره 7
39. میر احمدی، صادق؛ دهباشی، مهدی(1395). "تمایز فضیلت از مهارت از نظر زاگزیسکی". دوفصلنامه فلسفی شناخت، شماره 75
40. وفایی، اعظم(1391). "تحلیل و ارزیابی اندیشه فارابی" پژوهش های اخلاقی، 2(3)
41. هاشمی شاهرودی، محمد(1387). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام(ج5). ج1. قم:تحقیق و تألیف مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی
42. یوسفی، حیات الله(1370). "آرمان عدالت و دولت دینی [نظریه فارابی]. ج142. قم:نشریه معرفت مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
43. Baehr, Jason (2009), The inquiring mind: on intellectual virtues and virtue epistemology, Oxford, Oxford University Press
44. Ross, W. D. 1930. The Right and the Good. Reprinted with an Introduction by (Philip Stratton-Lake. 2002. Oxford: Oxford University Press p:20\_46
45. Walzer, R. (1962). Al-Farabi on the Perfect State. Oxford University Press
46. Zagzebski, Linda (1996), Virtues of the mind: an Inquiry into the nature ,Of virtue and the ethical foundations of knowledge, New York, NY USA: Cambridge University Press
47. .... 1998, Virtues of the Mind: an Inquiry Into the Nature of Virtue and Ethical Foundations of Knowledge, New York, Cambridge University Press
48. ....(2002), "The Incarnation and Virtue Ethics." In The Incarnation :Ed. Davis Stephen T, Kendall Daniel and O'Collins Gerald. New York Oxford University Press
49. .... (2003), The Search for the Source of Epistemic Good.", Metaphilosophy, Vol. 34, No. 1-2, pp.12-28
50. ....(2004), Divine motivation theory, (Cambridge: New York: Cambridge University Press
51. ....(2005), "Morality and Religion." In The Oxford Handbook of

Philosophy of Religion, ed. Wainwright William J.. New York: Oxford  
University Press

52. ....(2006), "The Admirable Life and the Desirable Life." In Values  
And Virtues:Aristotelianism In Contemporary Ethics, ed. Chappell  
Timothy. New York: Oxford University Pre

53..... 2010, A Companion to Epistemology, second edition, ed. By  
,Jonathan Dancy, Ernest Sosa and Matthias Setup, Blakwell Publishing  
p. 210 – 21

54. ....(2013), "Moral exemplars in theory and practice." Theory and  
Research in Education, Sage, January 6, pp. 1-14